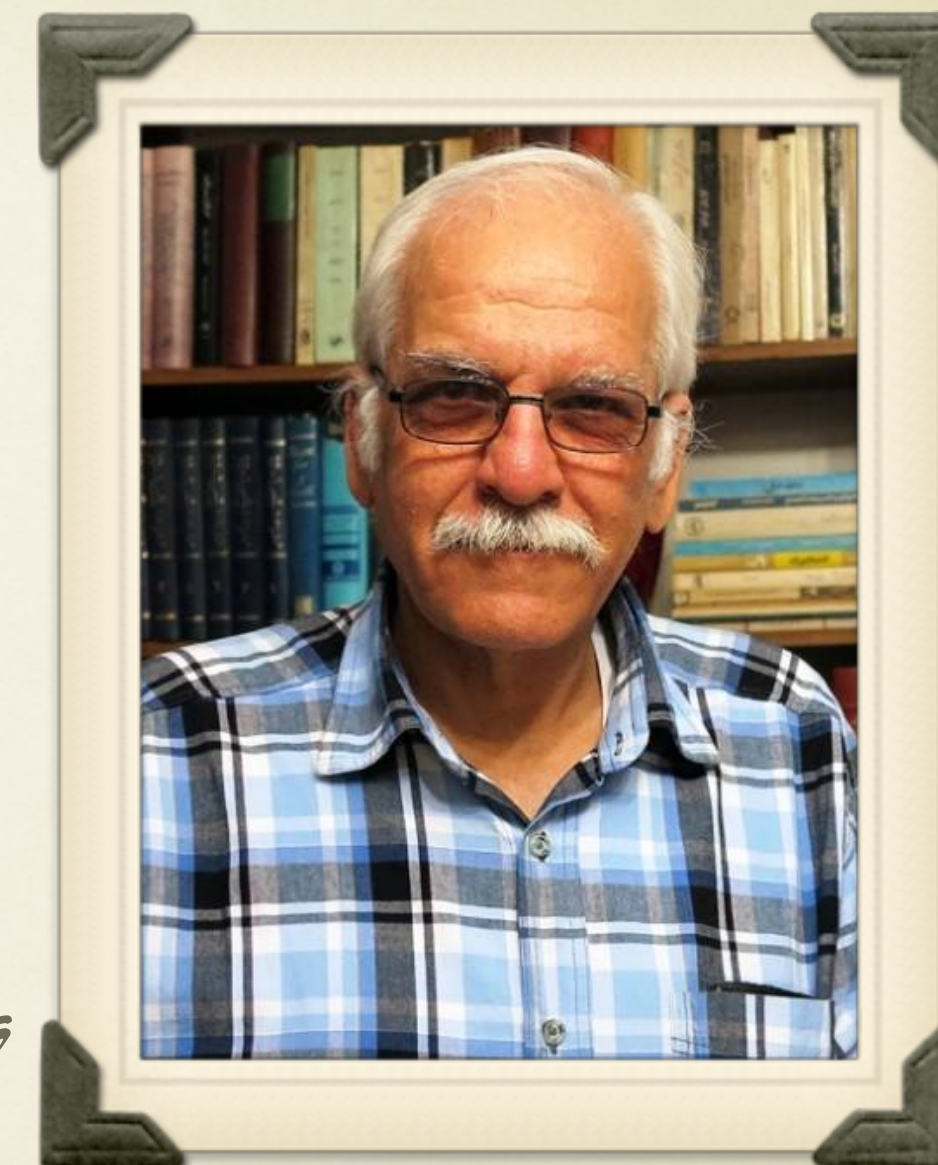


یادداشت اکبر معصوم بیگی درباره نمایش مستند اماگلدمن و گروه تئاتر انگزیت

شب‌ی با یاران گروه تئاتر انگزیت و فیلم - تئاتر مستند "اماگلدمن، آن گونه که من زیستم"



دیشب بنا به دعوت گروه تئاتری انگزیت از هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران برای قماشای فیلم - تئاتر "اماگلدمن" همراه برخی دیگر از اعضای کانون به قماشای این فیلم تئاتر نشستیم که نخست قرار بود بر صحنه‌ی تئاتر بیاید ولی سانسور مانع از آن شد که کاری که در اصل برای صحنه‌ی تئاتر تدارک دیده شده بود بر صحنه زنده‌ی تئاتر بیاید و از نزدیک هم نفس قماشگر شود. ولی راستش صمیمیت و پشتکار و شور شیرین میرزا نژاد نویسنده‌ی متن و مهر داد خامنه‌ای کارگردان نمایش و همه‌ی بازیگران و دست‌اندرکاران این فیلم - تئاتر چنان گرمایی پدید آورده است که دست کمی از اجرای زنده‌ی آن ندارد. کسانی در وانفسای تئاتر پولکی - بنده‌ی گیشه و "سلبریتی" - محافظه‌کار - خنثا - بی‌ارتباط با زندگی و دنیا و مافیهای ماکه جز درباره‌ی "آب و هوا" حرف نمی‌زنند همه‌ی همت و وقت و زندگی خود را صرف این کرده‌اند که چیز دیگری بگویند، با جریان مسموم و آلوده‌ی تئاتر بی‌بو خاصیت کنونی همراهی نکنند، سازی دیگر بزنند، راهی دیگر بروند، از سد سدید سانسور نهراسند، به سهم خود بکوشند تا شور و حال و گرمای رخت بر بسته از صحنه‌ی تئاتر ایران را به آن بازگردانند، گرما و صمیمیتی که ما و مرا فقط به یاد گرمای سوزان تئاترهای کوچک و گم‌هزینه‌ی نیمه‌ی دوم دهه‌ی 40 و دهه‌ی 50 و یک سال اول پس از انقلاب (سال 58) می‌اندازد. این شور و حال را پیش از این شخصاً در دو نمایش دیگر این گروه، "مارکس در سوهو" (از هاورد زین) و "من موجودی احساساتی هستم" (از ایوانسلا) بر صحنه‌ی تئاتر شاهد بوده‌ام. می‌توان در گوشه‌هایی از متن "اماگلدمن،" با نمایشنامه‌نویس همدل و همدستان نبود، یا احیاناً پیشنهادهای دیگری برای اجرا داشت - که کاملاً طبیعی است، ولی بی‌گمان نمی‌توان منکر این همه شور و شغَب و همت بلند برای تن زدن از همرنگی و همراهی با وضع موجود، و متفاوت زیستن و دیگر گفتن و دیگر رفتار کردن بود.

شب‌ی خوش و گرم و صمیمی در کنار دوستان و دست‌اندرکاران تئاتر انگزیت گذشت. همه‌ی امید من این است که کار گروه با امید و نیرو و توان و شور هر چه افزون‌تر ادامه پیدا کند. چنین باد!

اکبر معصوم بیگی

دوم دی ماه هزار و سیصد و نود و هفت